

اعتقاد به مقاومت کل فلسطین را دربر گرفته است

همزمانی روز قدس امسال با حوادث اخیر در سرزمین‌های اشغالی، افق روشنی را در برابر جریان مقاومت در فلسطین و جهان اسلام گشوده است. جریانی که محدود به فلسطین و دشمن صهیونیستی نبوده و ثمرات آن در سراسر نقاط جهان اسلام قابل مشاهده است؛ محورهایی که در سخنرانی رهبر انقلاب در روز قدس هم به آنها اشاره شد.

برای تحلیل و بررسی بیشتر این وضعیت به گفتگو با آقای **دکتر سعدالله زارعی**، **KHAMENEI.IR** رسانه **استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی و کارشناس مسائل بین‌الملل** پرداخته است.

بخشی از سخنرانی رهبر انقلاب درباره نگاه امروز فلسطینی‌ها به مسئله مقاومت بود. اینکه از رهبران فلسطینی توقع دارند با مقاومت مسلحانه حقی را که از ایشان پایمال شده است پس بگیرند. درباره فرایند تغییر افکار فلسطینیان توضیح دهید و اینکه چه تغییری ایجاد شده که حالا به این نقطه رسیده‌ایم؟

اگر نگاهی به تاریخ ۷۴ سال اخیر فلسطین بیندازیم که رژیم صهیونیستی در این سرزمین مستقر شده است، متوجه یک تحول بنیادی و اساسی در نگرش فلسطینی‌ها می‌شویم. در ابتدای کار تا تقریباً سه دهه یا کمتر از سه دهه، نگاه مردم فلسطین این بود که از طریق سازمان‌های شناخته‌شده مثل سازمان آزادیبخش فلسطین و فقط از طریق مبارزه مسلحانه و با روش مبارزاتی مارکسیستی چپ‌گرایانه می‌توان فلسطین را آزاد کرد. زحماتی کشیدند اما درعین حال در نقطه‌ای جمع‌بندی این شد که با جنگ‌ها و با روش‌های چریکی نمی‌شود ماجرای فلسطین را به نقطه درستی رساند و مردم فلسطین را به حقوق‌شان رساند. در چندین جنگ عربی شکست خورده بودند و مبارزه چریکی امثال یاسر عرفات هم به بن‌بست رسیده بود، خود فلسطینی‌ها هم دچار اختلافاتی شده بودند. کشورهای عربی هم با فلسطینی‌ها دچار اختلافاتی بودند؛ ماجرای سپتامبر سیاه در اردن پیش آمده بود. ماجرای درگیری‌ها و جنگ‌های داخلی لبنان بر سر فلسطینی‌ها که یک طرف ماجرا سازمان آزادیبخش فلسطین قرار داشت، درگرفته بود. در تونس با فلسطینی‌ها برخورد شده بود و همین‌طور اختلافاتی هم در کشورهای دیگر بر سر نحوه مدیریت پرونده فلسطین پیش آمده بود. این حوادث به حدود سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۵ و ۶۶ برمی‌گردد که در این برهه، تقریباً اوضاع و احوال فلسطین به این صورت بود.

یک‌باره یأس و دلمردگی و به‌اصطلاح احساس پوچی در جبهه فلسطینیان مخصوصاً در توده‌های مردم ایجاد، همه امید آن‌ها نقش بر آب شد و با خلأ بزرگی مواجه شدند. در این زمان، یک معادله جدید به‌وسیله انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی رقم خورد که حضرت امام رحمه‌الله‌علیه با انقلاب با عظمتی که انجام داده بود، مسئله فلسطین را در دستور کار قرار داد و آرام‌آرام این اعتقاد در فلسطینی‌ها یا در بخشی از آن‌ها ایجاد شد که با نگاه انقلاب اسلامی می‌توان به پیروزی رسید؛ شباهت‌هایی بین رژیم شاه و رژیم اسرائیل وجود داشت؛ شاه

یک قدرت بزرگ نظامی بود و ارتش ایران نقش ژاندارم آمریکا در منطقه بزرگ غرب آسیا را بازی می‌کرد. یک قدرت منطقه‌ای وابسته و به نیابت از آمریکا در این منطقه ایفای نقش می‌کرد و مورد حمایت جدی آمریکا هم بود. همین وضعیت را اسرائیل نیز داشت

انقلاب اسلامی با همان نوع ارتش مواجه شده و آن ارتش را حذف کرده و عملاً از سر راه برداشته و انقلاب را به پیروزی رسانده بود. اعتقاد این‌چنینی که می‌توان با تغییر روش‌ها، تاکتیک‌ها و نگاه‌ها صحنه شکست را به پیروزی تبدیل کرد در این فاصله شکل گرفت؛ یعنی در فاصله ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۶-۱۳۶۵ و در دوره زمانی ده‌ساله این اعتقاد پیدا شد؛ لذا اولین انتفاضه مذهبی فلسطین شکل گرفت؛ سازمان‌های مذهبی فلسطینی شکل گرفتند که به‌طور مشخص حماس و جهاد اسلامی هستند که در این بستر به وجود آمدند و در ادامه هم گردان‌های فلسطینی با ایده‌های مذهبی شکل گرفتند. این بازنگری در افکار به ماجرای اسلو ختم شد

در سال ۱۹۹۳ در مادرید و اسلو ماجراهایی روی داد که آمریکایی و اسرائیلی‌محور بودند و در آنجا با حضور کشورهای عربی تصمیم گرفته شد دولتی به‌شکل مسالمت‌آمیز با نام دولت فلسطین تأسیس شود که منظور از آن دولتی در کرانه باختری و غزه بود یعنی در ۲۲ درصد از خاک فلسطین. در برخورد با این موضوع، فلسطینی‌ها هم به دو دسته تقسیم شدند؛ عده‌ای معتقد شدند که بیش از این نمی‌توان مقاومت کرد لذا این قرارداد را پذیرفتند. از دسته این افراد آقای یاسر عرفات و تشکیلات خودگران فلسطین که بعداً به‌وجود آمد و سازمان آزادیبخش بودند. عده‌ای دیگر از منظر دیگری به این رویداد نگریستند که آن را به‌عنوان یک جای پا دانستند و رد نکردند اما گفتند این به آن معنا نیست که بقیه فلسطین را به‌عنوان اسرائیل به رسمیت بشناسیم

در سال ۲۰۰۰ ملت فلسطین وارد میدان شد و ورود شارون به مسجدالاقصی و اهانت به مسجدالاقصی زمینه‌ای شد که مردم فلسطین واکنش نشان دادند و در واقع ماجرا روی دیگری پیدا کرد. اسلو هم شکست خورده بود و یاسر عرفات هم به‌سمت جریان مقاومت گرایش پیدا کرد و کارهایی را که مردم و جریان‌های فلسطینی علیه اسرائیل انجام می‌دادند تأیید می‌کرد که این به معنای ختم ماجرای اسلو و مادرید بود. در ادامه اتفاقاتی در منطقه و در میان کشورهای عربی رخ داد که یکی از آن‌ها اخراج اسرائیل از لبنان بود. در کنار فلسطینی‌ها، جریان مقاومت قدرتمندی به نام حزب‌الله هم شکل گرفته و مذاکرات صلح سوریه و اسرائیل هم با ترور اسحاق رابین با شکست مواجه شده بود. با این رخدادها، ماجرا به کلی تغییر کرد و فلسطینی‌ها اعتماد خود را به سازمان‌های سازشکار از دست داده بودند؛ بنابراین در انتخاباتی که در سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵) برگزار شد، یکباره جریان‌های مقاومت رأی آوردند و ۷۵ درصد پارلمان فلسطین دست مقاومت افتاد. فلسطینی‌ها در یک سیر تاریخی در وضعیت طبیعی و عمومی به این جمع‌بندی رسیدند که نگاه کردن به اجلاس عربی و قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی و طرح‌های آمریکایی، طرح‌های روسی و اروپایی برای آن‌ها مفید نخواهد بود و فقط آن‌ها امروزه دیگر اعتقاد به مقاومت کل فلسطینی‌ها را در . را سرگرم می‌کند تا اسرائیل گامی به جلوتر بردارد

برگرفته. این نکته مهمی است که ۷۰ درصد فلسطینی‌ها از عملیات سنگین علیه اسرائیلی‌ها حمایت می‌کنند. فلسطینی‌ای که دارد رأی می‌دهد که ما مدافع پرتاب موشک به سمت اسرائیل هستیم، می‌داند هزینه سنگینی باید پردازد ولی با وجود این با حمله نظامی به اسرائیل موافق است.

اتفاقاتی که در فلسطین افتاده با اتفاقاتی که در غرب آسیا در یک دهه اخیر رخ داده است چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟

بحث فلسطین بحث کیان اسلامی یا کیان مقاومت است که رهبر انقلاب تعبیر فرمودند. از اول هم همین بوده ✨ نه اینکه به این تازگی رخ داده باشد. اینکه اول چرا اسرائیل را ایجاد کردند و به اسرائیل اجازه دادند که برای یک سرزمین به مساحت حدود ۲۵ هزار کیلومتر مربع چنین این تعداد نیروی نظامی و ارتش داشته باشد؟ کدام کشور در منطقه ما این تعداد نیروی نظامی دارد؟ این تعداد نیروی نظامی برای دفاع از ۲۵ هزار کیلومتر مربع مساحت نیست، بلکه برای تغییری است که انگلیسی‌ها قبل از تأسیس اسرائیل از آن سخن گفته بودند یعنی یک جای پا برای تأمین مطامع. نخست‌وزیر انگلیس ۴۳ سال قبل از تأسیس اسرائیل، جمله معروفی دارد. می‌گوید: مهم‌ترین آبراهه‌های استراتژیک در جهان اسلام است. در آنجا مهم‌ترین ذخایر زیرزمینی وجود دارد. اگر ما به فکر جای پایی برای خود در این منطقه نباشیم، باید آقایی خود را در جهان پایان یافته تلقی کنیم.

این مربوط به زمانی است که انگلیس ابرقدرت و امپراتوری بود. خود دیوید بن گورین که مؤسس اسرائیل است، تا ۱۹۶۳ می‌شود، می‌گوید که اسرائیل دروازه ورود غرب در زمان نخست‌وزیری‌اش که مربوط به سال‌های ۱۹۵۵ به آسیا و رفع‌کننده مهم‌ترین دغدغه‌های آن درباره جهان اسلام است. پس بحث تأسیس یک کشور نیست، بحث جای پایی است که نخست‌وزیر وقت انگلیس می‌گوید و برای غارت منابع جهان اسلام است؛ بنابراین اگر در اینجا پرچمی بالا می‌رود، علامت استیلاست. اگر جهان اسلام و حضرت امام رحمه‌الله‌علیه تلاش می‌کنند که این پرچم را پایین بکشند برای این است که می‌خواهند استیلا را ریشه‌ای بخشکانند و اینکه حضرت امام رحمه‌الله‌علیه می‌گوید این غده سرطانی است و رهبر انقلاب می‌فرمایند که ریشه مشکلات منطقه غرب آسیا اسرائیل است، به دلیل همین مسئله است که این دولت نیست؛ فراتر از یک سرزمین است. اشغال سرزمین مدنظر است قرار است جای پای سلطه غرب را بر کل آسیا تأمین کنند؛ بنابراین برخورد با این رژیم یک وظیفه همگانی است و فقط از باب دلسوزی برای فلسطین نیست. هر کشوری که می‌خواهد امنیت پایدار داشته باشد در غرب آسیا باید در مبارزه با اسرائیل شرکت کند؛ زیرا او به وجود آمده تا هدف غرب را تأمین کند؛ لذا اسرائیل ضعیف شده و با شعار نیل تا فرات فاصله زیادی دارد. از اهدافی که این غربی‌ها در مورد آن صحبت کردند بسیار فاصله گرفته است ولی باز هم به آن مأموریت قبل خود بازمی‌گردد.

به نظر من، محو اسرائیل یک وظیفه آسیایی است و بعد یک وظیفه اسلامی است و در مرحله سوم نیز می‌رسد به فلسطینی‌ها و البته اسرائیل را فلسطینی‌ها نابود خواهند کرد. یعنی ما معتقدیم همین روندی را که فلسطینی‌ها در پیش گرفته‌اند چندان به کمک خارج از آن نیازی نیست که ارتشی بخواهد از جایی اعزام شود و با روند فعلی فلسطینی‌ها می‌توانند اسرائیل را در یک مدت کوتاه کاملاً نابود کنند و از بین ببرند.

این اشغال‌گری با اتفاق‌هایی که در در سوریه، عراق و یمن می‌افتد چه ارتباطی پیدا می‌کند؟

همان دستی که در اوایل قرن بیستم شروع کرد که سرزمین فلسطین را از جهان اسلام جدا کند و به جریان تروریسم تحویل دهد و از طریق آن بخواهد بقیه را تحت تأثیر قرار دهد، وارثان طراحان آن نقشه، همان نقشه را درباره سوریه و داعش داشتند. وقتی خانم کاندولیزا رایس درباره تجزیه منطقه ما به صراحت صحبت می‌کند و می‌گوید که زایمان لازمی است ولی درد دارد. همان جریانی که در سوریه دنبال داعش بود در یمن جنگ راه انداخته است و می‌داند که همان بیداری که فلسطینی پیدا کرده است، همان بیداری و بیزاری که فلسطینی از راه‌حل‌های غیراصیل و غیرمقاومتی به آن رسیده، همان بیزاری و فهم را ملت‌های سوریه، عراق و یمن هم به آن رسیدند. اگر این ملت‌ها به صحنه بیایند وحشت زیادی برای غرب ایجاد می‌کنند.

معتقدم که عربستان ۶ سال است که به دنبال پایان دادن به جنگ با یمن است اما آن کسی که بیش از سعودی از انصارالله یمن احساس ترس و وحشت می‌کند و نمی‌گذارد اسرائیل است. با تحلیل پیغام‌ها و رفتارهای سعودی در این ۶ سال می‌توان دریافت که آن‌ها مدت‌هاست به دنبال پایان دادن به جنگ هستند. سعودی اکنون در یمن شکست نخورده است، بلکه از ۶-۷ سال گذشته در حال شکست خوردن است اما اسرائیل نمی‌گذارد که سعودی‌ها از یمن خارج شوند. انصارالله بیش از آنکه دردسر برای عربستان باشد یک مسئله و مشکل برای اسرائیل است و لذا همان کسانی که در ماجراهای قبل آمدند و فلسطین را اشغال کردند و این جریان ناامن‌سازی را در آنجا قرار دادند همان‌ها در یمن، عراق، سوریه و افغانستان و حتی می‌خواستند در ایران همان کارها را انجام دهند.

موضوع مهم دیگر شکست مسیر سازش است. کمی درباره این مسیر صحبت کنید و اینکه قرار بوده چه عایدی برای صهیونیست‌ها داشته باشند.

طبیعتاً به موازات مقاومت جریان مقابل هم به راه خودش ادامه می‌دهد؛ کما اینکه تاکنون هم به موازات هم جلو آمده‌اند. نمی‌توانیم بگوییم دیگر تمام شده است، بلکه ادامه پیدا می‌کند اما تأثیرگذاری آن‌ها به شدت کم شده است زیرا جریان سازش کار فلسطینی ضعیف شده و کسانی که باید در داخل فلسطین نقش لولا را بازی کنند بین آمریکا و طرف فلسطینی، آن لولا دیگر وجود ندارد؛ بنابراین طرف فلسطینی چشم‌هایش را بسته است

و به مبارزه خودش ادامه می‌دهد. حتی محمود عباس جرأت نمی‌کند که در مقابل این جوانان قرار بگیرد؛ یعنی بر فضای عمومی این نگاه حاکم شده است. حتماً حلقه‌های جدیدی را آن‌ها مطرح می‌کنند. مثل همین قرارداد ابراهیم که اکنون در وضعیت بن‌بست قرار دارد؛ زیرا پیمان ابراهیم پیمان عادی‌سازی است و این عادی‌سازی در چهار کشور عربی مراکش، سودان، بحرین و امارات اتفاق افتاد.

اما در همین صحنه مبارزات فلسطینی‌ها همین چهار کشوری که عادی‌سازی کرده‌اند در زبان و بیان دارند از فلسطینی‌ها حمایت می‌کنند و اینجا هیچ دردی از اسرائیل دوا نشد. اسرائیل می‌خواست خودش را قوی کند. آن‌ها پذیرفتند اما الان حرف خودشان را می‌زنند.

طرح‌های بعدی را آمریکایی‌ها ارائه خواهند کرد و آقای بایدن سرگرم تهیه یک طرح است ولی هنوز دچار برخلاف دوره ترامپ که اولویت بود و برای اسرائیل نماینده ویژه. اختلاف هستند. ضمناً اولویتی برای آن‌ها ندارد قرار داده بود. در کلام می‌گویند که امنیت اسرائیل امنیت ماست ولی الان در امنیت خودشان دچار مشکل هستند و حالت شعاری دارند. امکان اجرای طرح‌هایی که ارائه می‌دهند بسیار کمتر است؛ لذا آن‌ها در پیشبرد طرح‌های خود مشکل اساسی دارند.

♦ مقاومت‌های مسلحانه مردمی که در حال حاضر در حال شکل‌گیری است چه تفاوتی با مقاومت‌های

مسلحانه گروه‌های چپ در سه دهه ابتدای اشغال فلسطین دارد؟

وقتی یک سازمان مسلحانه قدم جلو می‌گذارد تعدادی عضو دارد و سازمان نظامی عددی دارد و اینگونه نیست که بی‌انتهای باشد. می‌توان برای آن مفهوم منافع، مصالح و خطرات تعیین کرد که آن سازمان منهای فلسطین خودش را در معرض آسیب ببیند؛ بنابراین سازمانی که رأس و بدنه دارد تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد و ناگزیر می‌شود که مماشات کند اما وقتی مردم دست به اسلحه می‌برند سازمانی وجود ندارد که اسرائیل بخواهد آن سازمان را تحت‌فشار قرار دهد.

مسئله دوم که از این مهم‌تر است آنکه آن سازمان مسلحانه بدون اینکه مسئولیت حمله انجام‌شده در اسرائیل را به عهده بگیرد از آن اقدام حمایت می‌کند. یک پیوستگی بین کسی که به‌صورت فردی دست به مقاومت مسلحانه زده و آن‌کس که به‌صورت سازمانی مقاومت می‌کند ایجاد شده است. در حوادث اخیر یک اتفاق فنی رخ داده است و آن اینکه حماس، جهاد اسلامی و جنبش‌الفتح خودشان مسئولیت را به عهده نگرفته و در این کار شرکت نکرده‌اند اما حمایت می‌کنند و حمایت آن‌ها مانند آن است که خودشان این کار را انجام داده باشند.

هر فرد فلسطینی احساس می‌کند که سازمان پشت او قرار دارد و نمی‌توان کار را به راحتی تروریستی لقب داد؛
!چه کار تروریستی‌ای وجود دارد که یک ملت از آن حمایت می‌کند؟

ابهامات و گنگی‌های زیادی هم برای طرف مقابل در پی دارد. تعداد جوانانی که در سرزمین‌های ۱۹۴۸ آمادگی دارند که عملیات شهادت‌طلبانه انجام دهند چقدر است؟ چه تعداد سلاح در دست آن‌ها قرار دارد؟ این‌ها به کدام جریان یا کشور خارجی متصل هستند؟ چگونه محافظت می‌شوند؟ در آینده به کدام سمت می‌روند؟ آیا به سازمان تبدیل می‌شوند؟ این ابهامات مدیریت صحنه را برای اسرائیلی‌ها بغایت دشوار کرده است. اسرائیل در یک وضعیت گيجی به سر می‌برد؛ لذا الان حرف اسرائیل تغییر کرده است. قبلاً اسرائیل تهدید امنیتی‌اش را حزب‌الله می‌دانست اما الان تهدید خودش را این افراد می‌داند. اسرائیل می‌گوید ما با تهدید داخلی مواجه هستیم و اولویت رفع تهدید داخلی است و اتفاقاتی که در سرزمین‌های ۱۹۴۸ می‌افتد برای آن‌ها اولویت دارد. کنترل میدان از دست آن‌ها خارج شده است؛ زیرا در درون آن‌ها قرار دارند.

**به‌عنوان سوال آخر توضیح دهید که وحدت و پیوستگی نیروهای مختلف فلسطینی چه اهمیتی در
دور جدید مقاومت و مبارزه با اشغال دارد.**

پیوستگی‌ای که رهبر انقلاب در سخنرانی به آن اشاره کردند مطلب بسیار مهمی است. فلسطینی‌ها تا همین چند وقت پیش با یکدیگر درگیر بودند. گرفتاری ما این بود که ظرفیت مقاومت را همین تشکیلات خودگردان و محمود عباس خنثی می‌کنند که در حال حاضر آن کنار رفته و این پیوستگی بین جریان‌های مختلف ایجاد شده و قدرت فلسطین بیشتر شده است؛ در مقابل آن اسرائیلی‌ها دچار تشتت هستند، هم در مسائل امنیتی و هم در سایر فضاها. همین امر باعث رشد زیاد جریان‌های فلسطینی می‌شود. مشکل اسرائیل نسبت به سال گذشته دوبرابر شده است و سال آینده دوبرابر امسال می‌شود؛ کم‌اینکه اسرائیل در سال ۲۰۲۱، ۱۰۸۵۰ بار از سوی فلسطینی‌ها مورد تهدید قرار گرفته است و این عدد نسبت به سال ۲۰۱۹، چهار برابر افزایش پیدا کرده است. این مسیر، حیاتی برای اسرائیل باقی نمی‌گذارد. در یکی دو سال اخیر، همه موجودیت اسرائیل دچار خطر شده، به آن‌ها آسیب‌های جدی وارد آمده و وحشت زیادی برای اسرائیلی‌ها ایجاد کرده است. مهاجرت یهودیان از فلسطین به بیرون از آن افزایش پیدا کرده و جذب یهودیان به فلسطین متوقف شده است. آماري که از سال گذشته ارائه شده است حاکی از آن است که در جریان عملیات سیف‌القدس، هفت‌هزار یهودی از بئر‌السبع به تل‌آویو مهاجرت کردند. این مهاجرت داخلی در دسر بزرگی برای آن‌ها درست کرد. فرار آن‌ها نشان می‌دهد که چقدر آسیب‌پذیر هستند و این فرار یکبار به داخل صورت می‌گیرد و بار بعد ممکن است به مهاجرت خارجی دست بزنند؛ لذا افرادی گفته‌اند ممکن است زودتر از ۲۵ سالگی که در محاسبات قبلی گفته شده نابودی اسرائیل شکل بگیرد.